

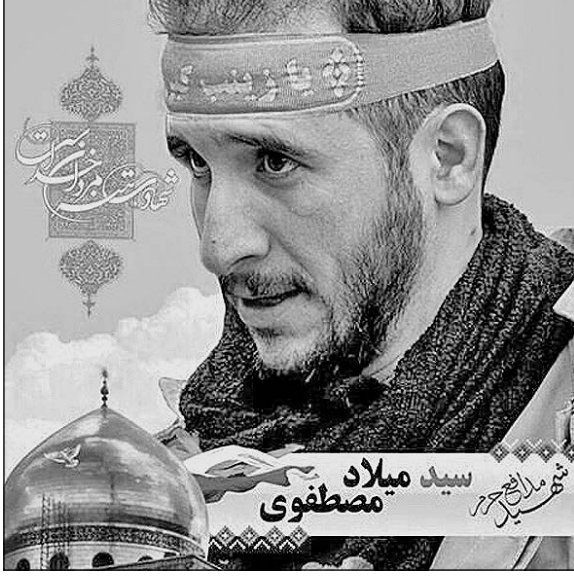
اشاره: این روزها از شهدای مدافع حرم بسیار می‌شنویم، جوانانی که از همه جای کشورمان داوطلبانه برای دفاع از حرم مطهر حضرت زینب(س) با اشتیاق می‌روند و جان خود را در این راه می‌گذارند. انگیزه برای حضور در جمع مدافعان حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) سن و سال نمی‌خواهد، آگاهی و اشتیاق می‌خواهد، دلی قرص و شجاعتی مثال‌زدنی می‌خواهد. مهندس شهید سید محمد(میلاد) مصطفوی یکی از این جوانان غیور شهرستان همدان است، که دفاع از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) از دغدغه‌های اصلی و مهم او در زندگی‌اش بود. سید میلاد هنوز سی ساله نشده بود که به عشق کودک سه ساله ابا عبدالله (علیه‌السلام) و عمه سادات، بسیجی و داوطلبانه راهی سوریه شد، و تنها ۱۴ روز از رفتن او نگذشته بود که در ۲۵ مهرسال جاری به آرزوی خود رسید و پیکر مطهرش را در شهرستان بهار همدان به خاک سپردند.

از شهادت فرزندم خوشحالم
سید عباس مصطفوی، پدر شهید درباره خاطرات این شهید بزرگوار می‌گوید: سید محمد که ما در منزل او را سید میلاد صدا می‌زدیم خاطرات خیلی خوبی را از خود به‌جا گذاشته است، چرا که بسیار مومن و با اخلاق بود، هرکس را که می‌دید آن قدر به گرمی و با مهربانی با او برخورد می‌کرد که انگار مدت‌هاست که آن فرد را می‌شناسد و یا سال‌ها با او دوست بوده، بسیار خونگرم و خوش‌برخورد بود و همه از این برخورد او خوشحال می‌شدند. وی افزود: هیچ وقت نشد برخوردارش با همه خوب بود. اهل ورزش و باشگاه بود. در ورزش جودو مقام سوم کشوری را آورده بود، بسیجی بود و در بسیج محل فعالیت می‌کرد. هر شب تا ساعت ۱۲ شب دنبال کارهای بسیج بود. هر سال را ۵ اسفند تا ۲۵ فروردین در اردوهای راهبان نور شرکت

نظارت داشت. برادر شهید مصطفوی افزود: هم‌زمان شهید از دلوری‌های او بسیار می‌گفتند. آنها معتقد بودند که سید میلاد با ما فرق داشت، بسیار دلوار بود و جرئت بسیاری داشت همیشه در عملیات‌ها جلوتر از دیگران حرکت می‌کرد، آن نقطه‌ای هم که برادرم در آنجا شهید شده ظاهرا ۵۰۰ متر جلوتر از بقیه پیچ‌ها بوده است. وی تأکید کرد: به نظر بنده عشق شهید به عمه‌اش حضرت زینب(س) او را به سوریه کشاند، از همان زمانی که سوریه ناامن شد و سید میلاد دید که حرم حضرت زینب(س) در معرض خطر است می‌گفت من باید بروم، نمی‌توانست صبر کند. روزی که به سید میلاد زنگ زدند و خبر دادند که باید برود و روز اعزام رسیده است خیلی خوشحال شده بود، سر از پا نمی‌شناخت، حال خاصی پیدا کرده بود، انگار اصلا در این دنیا نبود و می‌خواست بال دربیآورد و پرواز کند.

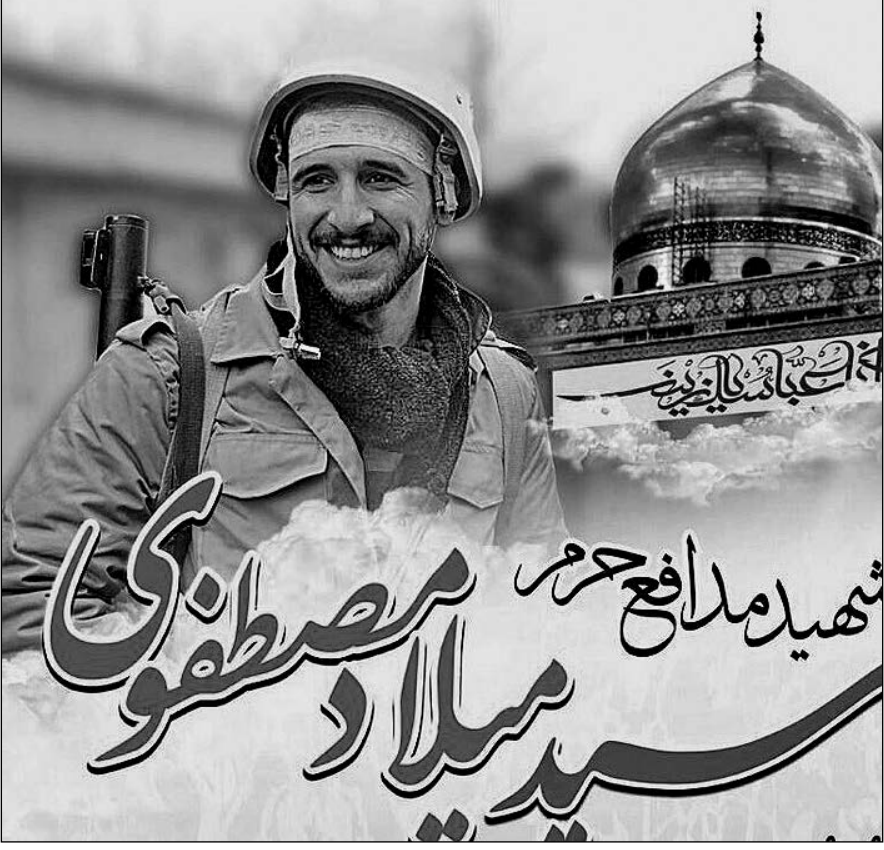
وی افزود: در سوریه که بود با ما ارتباط تلفنی داشت تا یک هفته قبل از آنجا دلجویی می‌کرد، ما عملیاتی در پیش داریم و باید برویم، در همان عملیات سید میلاد به آروزش رسید درویشی هم می‌رفت. وی گفت: سید میلاد حدود ۱۲-۱۳ سال خادم‌الشهدا بود و آرزوی شهادت در عمق جانش نفوذ کرده بود. خیلی تلاش می‌کرد که او را به سوریه اعزام کنند. حتی می‌گفت که من هزینه بلیط هواپیما و مخارج

می‌کرد و خادم‌الشهدا بود. پدر از رفتن شهیدش می‌گوید: بعد از آن که در آموزش‌های ویژه شرکت کرد، خیلی پیگیری می‌کرد که به سوریه برود؛ خیلی دوست داشت که برود و به نظام و دینش خدمت کند، اما او را نمی‌دروند. وی ادامه داد: وقتی می‌خواست‌به سوریه برود گفت برای رفتن به سوریه از ما درم اجازه گرفتم. می‌خواهم از شما هم اجازه بگیرم و بروم. می‌گفت من می‌روم تا از حرم عمه‌ام حضرت زینب(س) محافظت کنم. من از شهادت فرزندم خوشحالم چرا که پسرم به آروزش رسید، اگر باز هم جنگ شود پسر دیگرم را هم به جبهه می‌فرستم چرا که رزمندگان باید از دین خدا دفاع کنند دین اسلام دین حسینی است، پسران من هم باید همانند ارباب خود از دینشان دفاع کنند. سید میلاد، درست ۹ روز بعد از شهادت سردار



شهید سید میلاد مصطفوی

جودو داشت و در ورزش‌های رزمی مقام دومی کشور را به دست آورده بود، در ورزش زورخانه‌ای هم شرکت می‌کرد. اهل مسجد بود و به نمازش خیلی اهمیت می‌داد. همیشه در پیشگاه شهید درویشی خادم‌الشهدا بود، هر سال از اردوگاه به دیدار مادر شهید درویشی هم می‌رفت. وی گفت: سید میلاد حدود ۱۲-۱۳ سال خادم‌الشهدا بود و آرزوی شهادت در عمق جانش نفوذ کرده بود. خیلی تلاش می‌کرد که او را به سوریه اعزام کنند. حتی می‌گفت که من هزینه بلیط هواپیما و مخارج



گفت‌وگوی کیهان با خانواده شهید مدافع حرم؛ محمد(میلاد) مصطفوی

می‌روم تا به مادرم برسم با تمام شرمندگی

عکس شهید زین‌الدین همیشه روی سینه‌اش بود

سیدمحمد مشکوةالممالک

می‌خورد. وقتی می‌دید که شهدای دفاع مقدس از همه چیزشان گذشتند و آن طور جانفشانی کرده و از وطن و انقلاب دفاع کردند سید میلاد هم آرزوی شهادت می‌کرد و می‌گفت کاش روزی بیاید که من هم شهید شوم. وی ادامه داد: یکی از شهادهایی که سید میلاد او را الگوی خود قرار داده بود، شهید مهدی زین‌الدین بود، عکس این شهید بزرگوار را در خانه داشت. حتی عکس شهید زین‌الدین را روی لباسش چاپ کرده بود و همیشه زیر لباس بپوشش می‌پوشید. می‌خواست همیشه عکس شهید زین‌الدین روی سینه‌اش باشد. وقتی که می‌خواست با کسی درددل کند با شهدا صحبت می‌کرد. در شهر خودمان به خانواده شهدا سر می‌زد و از پدر و مادر شهدا دلجویی می‌کرد. اگر کمکی از دستش برمی‌آمد برای آنها انجام می‌داد.

برادر شهید اظهار داشت: سید میلاد خیلی دوست داشت کربلا برود اما قسمت نشد امسال من بعد از شهادتش به نیابت از برادرم به کربلا رفتم. وی افزود: بیشترین‌اسی که در خانواده داشت با مادرم بود، با مادرم خیلی درددل می‌کرد روحیات سید میلاد با روحیات مادرم از لحاظ معنوی و دینی، خیلی به هم نزدیک بودند، بعد از فوت مادرم سید میلاد خیلی تنه‌اشد. هر وقت مادرم نماز می‌خواند سید میلاد از مادرم می‌خواست که برای شهادتش دعا کند اگر ما به دوستان و آشنایان التماس دعا می‌گویم

دنبال سید میلاد رفتم و همانجا پیدایش کردم. برادر شهید مصطفوی اظهار داشت: یکبار که از سوریه تماش گرفته بود به ششوی آزار و اذیت‌ها تقاضای بخشش دارم. امیدوارم حلالم کنید.

۳ - دوستان عزیز شما را قسم به خدا که راه امام حسین(ع) را که راه عاقبت به‌خیری و مهم‌ترین کار است ادامه دهید. حسین‌گونه زندگی کنید که تمام عاقبت به‌خیری را در همین راه است و همیشه یاد و خاطره شهدا را زنده نگه دارید چون شهدا همیشه زنده‌اند و من وجود آنها را در زندگی خود همیشه احساس می‌کردم.

۴ - دوستان، هم هییتی‌ها، همشهری‌ها و تمام مردم دوست و آشنا حلالم کنید و عاجزانه از شما تقاضا دارم که در انجام امور دینی خود به‌خصوص حضور فعال در مساجد کوشا باشید و خمس و زکات خود را سالیانه حساب کنید تا روزی حلال داشته باشید.

در آخر هم باید اشاره کنم که الان من در شهر حلب سوریه هستم و آماده رزم با گروه‌های تکثیری می‌باشم. امیدوارم که در این راه استوار و پرامید و با تکیه بر اهل‌بیت(ع) به‌خصوص عمه جانم زینب(س) وارد صحنه نبرد شوم. خدایا کمک کن که این بنده حقیر از تمام مادیات دنیا دل بکنم فقط و فقط به خودت فکر کند که سعادت دنیا جز در این نیست. می‌روم تا به مادرم برسم با تمام شرمندگی.

الحقیر سیدمحمد مصطفوی

رفتار و چهره‌اش عوض شده بود؛ آن سید میلادی نبود که ما چند سال می‌شناختیم. وی در پایان گفت: سید میلاد در سوریه سردار سلیمانی را هم دیده بود و بعد از ملاقات با سردار سلیمانی روحیه بسیار بالایی از ایشان گرفته بود، بعد از دیدار سردار سلیمانی قوت و نیرویش دو برابر شده بود.

وصیت‌نامه
شهید سیدمحمد مصطفوی بسم رب‌ الشهداء و الصدیقین با سلام به خدمت آقا و ولی نعمت خودم، آقا حجت‌البن‌الحسن(عج) و ولی امر مسلمین جهان آقا سیدعلی خامنه‌ای (حفظه الله) و با یاد شهادی هشت سال دفاع مقدس.

خدایا من کجا و شهدا کجا کاری کن خدایا ماهم به قافله شهدا برسیم.

اینجانب سیدمحمد مصطفوی فرزند سیدهاشم با سلامت کامل متن وصیت نامه خود را می‌نویسم و از خداوند متعال خواستارم که به من توفیق دهد کارهای خود را برای رضای خدا و برای تقرب به سسوی او انجام دهم و دمی از یاد خدای خود غافل نباشم. با عرض سلام به خدمت پدر عزیز و بزرگوار

۱- اولین وصیتم این است که برادران و دوستان، رهبر انقلاب و گل سرسبد کشورمان را تنها نگذارید و پشتوانه و حامی ایشان باشید. همچنین پدر عزیزم من را حلال کن که خیلی بی‌محابا و بدون دریغ زحمت من را کشیدی. خیلی عزیزی پدر جانم خیلی ...

۲ - برادر و خواهر گرامی‌ام از شما شرمندام به‌خاطر همه آزار و اذیت‌ها تقاضای بخشش دارم. امیدوارم حلالم کنید.

۳ - دوستان عزیز شما را قسم به خدا که راه امام حسین(ع) را که راه عاقبت به‌خیری و مهم‌ترین کار است ادامه دهید. حسین‌گونه زندگی کنید که تمام عاقبت به‌خیری را در همین راه است و همیشه یاد و خاطره شهدا را زنده نگه دارید چون شهدا همیشه زنده‌اند و من وجود آنها را در زندگی خود همیشه احساس می‌کردم.

۴ - دوستان، هم هییتی‌ها، همشهری‌ها و تمام مردم دوست و آشنا حلالم کنید و عاجزانه از شما تقاضا دارم که در انجام امور دینی خود به‌خصوص حضور فعال در مساجد کوشا باشید و خمس و زکات خود را روزی حساب کنید تا روزی حلال داشته باشید.

در آخر هم باید اشاره کنم که الان من در شهر حلب سوریه هستم و آماده رزم با گروه‌های تکثیری می‌باشم. امیدوارم که در این راه استوار و پرامید و با تکیه بر اهل‌بیت(ع) به‌خصوص عمه جانم زینب(س) وارد صحنه نبرد شوم. خدایا کمک کن که این بنده حقیر از تمام مادیات دنیا دل بکنم فقط و فقط به خودت فکر کند که سعادت دنیا جز در این نیست. می‌روم تا به مادرم برسم با تمام شرمندگی.

الحقیر سیدمحمد مصطفوی

مدیرعامل موسسه حفظ آثار نیروی زمینی سپاه در گفت‌وگو با کیهان:

راه ستاره‌ها را با هنر ادامه می‌دهیم

مجتبی بزرگز

کتاب «راه‌ستاره‌ها» و نرم‌افزار «لاله‌های آسمانی» نخستین سفر نگارشی و مجازی سه‌بعدی با محوریت زندگی ۱۹ تن از شهدای گرانقدر نیروی زمینی سپاه است. این شهید در عملیات غرور آفرین نیروی زمینی سپاه جهت برقراری امنیت‌یابدار و پاکسازی منطقه از لوث وجود گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب در ارتفاعات شمال غرب کشور در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ در درجه رفیع شهادت نائل آمدند. این نرم افزار برای نخستین بار این امکان را فراهم می‌کند تا بطور مجازی در محل زندگی، محل شهادت و مزار این شهداء حضور یافته و به مشاهده زندگینامه، وصیت‌نامه، خاطرات، تصاویر و فیلم‌های مرتبط با آن‌ها پرداخت. رهنمودهای فرمانده نیروی زمینی سپاه و تلاش پاسداران اهل‌قلم و اندیشه در معاونت فرهنگی این نیرو به این رسید که مؤسسه حفظ و آثار ارزش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی سپاه مجموعه خاطرات و روایت‌های ۱۹ شهید را به همراه نرم‌افزاری تولید و در اختیار خانواده‌های معظم شهداء، مجموعه نیرو و در آینده‌ای نه چندان دور در اختیار جامعه قرار دهد به همین بهانه با سرهنگ‌پاسدار سعید حسنی مدیرعامل موسسه حفظ و آثار ارزش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی سپاه گفت و گو کردیم.

قالب ۱۹ قطعه یادکست صوتی، بیش از چهار هزار و ۸۰۰ قطعه عکس در قالب ۱۱۰ موضوع و دسته‌بندی مرتبط با شهدا و بیش از ۷۰۰ صفحه محتوای متنی در قالب بیش از ۶۰۰ خاطره از دیگر ویژگی‌های نرم‌افزار لاله‌های آسمانی به شمار می‌رود.
«برای آشنایی بیشتر مردم با این شهدا چه تدابیری اندیشیدید؟
معمولاً کتاب و نرم‌افزار در گام نخست بین خانواده‌های معظم شهدا و رده‌های نیروی زمینی سپاه تهیه شده و با توجه به استقبال احتمالی در سطح جامعه هم قصد توزیع داریم که البته با شرکت در نمایشگاه کتاب و یا رسانه‌های دیجیتال انقلاب اسلامی امکان‌پذیر است. به علاوه آن برای جامعه ما بسته‌های مستندی داشته‌ایم؛ یعنی تعداد زیادی فیلم مستند کوتاه برای شهدای نیروی زمینی سپاه تهیه شد و از طریق شبکه‌های مختلف سیما به روی آنتن رفت. البته نمآهنگ‌ها و روایت‌های تصویری کوتاهی هم ویژه مناسبت‌ها و سالگرد عملیات‌های مختلف دفاع مقدس تحت عنوان حماسه افتخار از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد. قصد داریم به حول قوه الهی برای مابقی شهدا هم در سال آتی کتاب و فیلم تهیه کنیم.

«این فعالیت‌های می‌تواند کانال‌ها و شبکه‌های مجازی را با معنویت و یاد شهدا، مقاومت و پاداری همراه کند. برای این هدف هم برنامه‌ای دارید؟

ما درحال تهیه فیلمی تحت عنوان «امنیت» هستیم؛ این فیلم نشان می‌دهد که جامعه ما چقدر به نبردهای تلانشگر نظامی خود که در مناطق مختلف در مرزها و حتی داخل خاک سوریه، بطور شانه‌ورز برای اعتلای امنیت‌یابدار می‌کوشند ایمان دارند و می‌دانند



که این بزرگمردان برای برقراری امنیتی که الان شاهد آن هستیم چه تلاش‌هایی کرده‌اند. مردم در این مستند می‌گویند جامعه برای داشتن چنین امنیتی مدیون چه کسانی است. ان‌شالله در روزهای آینده شاهد بخش آن از یکی از شبکه‌های سیما خواهیم بود.

«علاوه بر اشاره به دیگر دستاوردهای موسسه حفظ و آثار ارزش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی سپاه بگویید در سال ۹۵ به چه افقی می‌اندیشید؟
مستند «محروریت‌زدایی» عنوان برنامه‌ای بود که توسط جوانان خوش فکر و خوش‌ذوق موسسه در ۱۲ قسمت تهیه و تولید شد. این مستند اشاره‌ای دارد به اقدامات نیروی زمینی سپاه در موضوع مردم‌پاری و محرومیت‌زدایی از سبیه در مناطق محروم اعم از ساخت منزل برای ایام، ساخت خانه عالم، کمک در ساخت مساجد و حوزه‌های علمیه و راه روستایی دارد. مستندی که برای بیمارستان‌های صحرایی تولید شده؛ همان اقدام خدابخشانه‌ای که برای درمان مردم مناطق بیابانی‌زاده، محمد منتظرالقاسم، محمد محرابی‌پناه، کمیل صفری‌تبار، سیدمحمد موسوی، حسین رضایی، علی برهبی، مسلم احمدی‌پناه، صمد امیدیور، محمد غفاری و حسن حسین‌پور. طی مسافت بیش از ۶۵۰ کیلومتر به صورت زمینی به مناطق شهری، روستایی، عملیاتی و صعب‌العبور در گستره ۱۳ استان کشور و همچنین بیش از ۸ ساعت پرواز هوایی با بالگرد به مناطق عملیاتی شامغرب کشور به منظور تصویربرداری سه‌بعدی، تصاویر به بعدی مناطق حساس و دست‌نیافتنی در نقاط صفرمرزی و ارتفاعات صعب‌العبور حاج ابراهیم، جاسوسان، قتمان، گویزه، دشت وزینه و... امکان مشاهده تصاویر، زندگینامه و فیلم‌های مستند مرتبط با هر شهید روی تصاویر سه بعدی مرتبط با آن شهید در یاری خادون و همت مسئولین نسبت به انتشار کتاب، خاطرات و زندگینامه شهدای حرم و شهدای امنیت اقدام خواهیم کرد.

تقویم سال ۹۵ با هم با نگاه به شهدای گرانقدر نیروی زمینی سپاه که در سال ۹۴ برای پاسدارانی از مناطق شمال غرب و جنوب شرق که به شهادت رسیده‌اند و همچنین شهیدان حرم تهیه شده است. این کتاب در دو جلد خاطرات مربوط به دوران دفاع مقدس صاحب‌هایی که از زبان رزمندگان بیان شده در قالب ۲۰۰ هزار خاطره جمع آوری شده است. این خاطرات مربوط به احوالات فرماندهان گروه‌ها و گردان‌های دفاع مقدس است به مرحله انتشار رسید. همچنین تله فیلم مقاومت مردم گیلانغرب در دوران دفاع مقدس را هم در حال ساخت داریم. در آینده هم ان‌شاءالله یاری خادون و همت مسئولین نسبت به انتشار کتاب، خاطرات و زندگینامه شهدای حرم و شهدای امنیت اقدام خواهیم کرد.

«به عنوان مقدمه بفرمایید فکر نگارش مجموعه کتاب‌ها و نرم‌افزارها درباره شهیدای نیروی زمینی سپاه از کجا شکل گرفت؟

بعد از اتفاقات سال ۹۰ و موفقیتی که توسط نیروی زمینی سپاه در شمال غرب کشور به دست آمد؛ همان ارتفاعاتی که دست ضدانقلاب بود و توسط دلاورمردان نیرو با یکساز ی شد و البته شهدای گرانقدری هم در این راستا تقدیم کردیم. این شهدا سبزجامگان سخت‌کوش

یگان صابرین بودند و جمعی هم از فرماندهان رده‌های نیروی زمینی سپاه محسوب می‌شدند. ما تصمیم گرفتیم در موسسه یک قدمی در راه شناساندن این شهدا به مردم ببریم. در وهله اول، تهیه کتاب با هدف ثبت خاطرات، وصیت‌نامه و زندگینامه شهداء در دستور کار قرار گرفت. البته این مهم با برقراری ارتباط با خانواده‌های معظم شهدا محقق می‌شد تا اطلاعات اولیه گرفته شود؛ این خانواده‌ها در ۱۳ استان کشور مستقر بودند و با پراکندگی زیادی مواجه بودیم. از طرفی هم جمع آوری این خاطرات و ثبت زندگینامه و احوالات شهدا تنها با مصاحبه حضوری امکان‌پذیر بود. از این رو، دوستان پیشنهاد دادند که نرم‌افزاری سه بعدی طراحی و کار تولید آن هم‌راستای این کتاب‌ها پیش رود.

وقتی به خانواده‌های شهدا مراجعه می‌کردیم هم به تهیه کتاب می‌اندیشیدیم و هم تولید نرم‌افزار؛ به همین خاطر تصاویر سه‌بعدی از محل زندگی و مزار شهید و اگر اتاق مخصوصی شهید داشته عکس سه بعدی از همه تعلقااتش ازجمله جانماز، کتاب و یا چیزهای دیگر، کار جمع آوری این خاطرات و ثبت زندگینامه و احوالات شهدا تنها با مصاحبه حضوری امکان‌پذیر بود. از این رو، رده‌های نیروی زمینی سپاه که مقرر شد در گام نخست برای این شهدای گرانقدر، کتاب و نرم‌افزار تهیه کنیم و در دوره‌های بعدی برای مابقی شهدا هم همین روال و روبرگرد ادامه پیدا کند. البته ما برای انتخاب نام کتاب هم در جلسات متعددی به «راه‌ستاره‌ها» و «لاله‌های آسمانی» ویژه نرم‌افزار رسیدیم که به ظن کارشناسان بسیار با سسما هستند.

«راه‌ستاره‌ها» به صورت مختصر و مفید به تمام رزوایای زندگی این شهدا و خاطراتی که از سوی